

سهل انگاری کوچک ، تاوانی سنگین

سهل انگاری کوچک، تاوانی سنگین



دختر جوان با ناراحتی کاغذهای تاشده را در دست نگه داشته بود. التماسهایش به جایی نمی رسید. سهل انگاری کوچک پدرش به تاوانی سنگین تبدیل شده بود. مادر روی ویلچر با نگرانی به دستان مردی نگاه می کرد که سالها با نان حلال بخور و نمیر سرش را بالا نگه می داشت. مرد با دو مامور می رفت و صدای کشیده شدن دمپایی هایش بر کف راهروی دادگاه، خراشی بر قلب مادر و دختر می زد.

مرد در مقابل میز قاضی به چشمان ناآشنای شاکی نگاه کرده بود: تو که می دانی من نه از تو خرید کرده ام، نه چکی داده ام، من و تو اصلاً همدیگر را نمی شناسیم. فکر نمی کردم چک هایم به دست کسی افتاده است. گرفتار بودم، با خودم می گفتم چکها را توی خانه جایی گذاشته ام و پیدا می کنم...

شاکی هم تأیید کرد که هیچ وقت در زندگیش حسن را ندیده و خریدار ماهی شخصی دیگر بوده که گفته بابت طلبش از این شخص، چک گرفته است و در ادامه به قاضی گفت من هم فکر نمی کردم زمانی مجبور شوم دنبال این دو فقره چک بارها به دادگاه مراجعه کنم!

بنا به ادعاهای طرفین دعوی و آن چه از این گفتگوها به نظر می آمد نشان می داد حسن دو فقره چک سفیدامضای خود را گم کرده بود و به دلیل مشغله های کاری و تصور این که چکها در منزل است، مفقودی آنها را اعلام نکرده بود و مدتی بعد با سررسید ۳۰ فروردین و ۲ اردیبهشت ۹۵، در مقابل خرید ماهی به شخصی به نام صفر که شاکی پرونده است، ارائه می گردد و خریدار نیز به صفر می گوید این رقم ۷۰ میلیون تومان را بابت طلبش دریافت نموده است.

حدود سه سال بعد از شکایت اولیه صفر، تلاشش برای احقاق حق خویش به ثمر نشست و حسن در فروردین ماه سال جاری روانه زندان شد. مردی ۵۶ ساله که در دوران جنگ تحمیلی نیز مدتهای مدید در جبهه حضور داشت و اکنون همسرش با پیشرفت بیماری ام اس، ولیچر نشین شده و یکی از چهار فرزندش پسری جوان است که معلولیت شدید ذهنی و جسمی دارد.

حسن که زمانی فروشنده لباس بود و در محل زندگی و کارش اعتباری داشت، حالا زندانی است. مخارج اجاره منزل و درمان همسر و نگهداری فرزند معلول هزینه های مضاعفی در بر دارد و دختر جوانش حالا نان آور این خانه است.

پسر بزرگ این خانه ازدواج کرده و خود درگیر گرفتاری های زندگی خودش است. پسر دوم ۲۸ ساله و معلول ذهنی و دو دختر ۲۵ و ۲۰ ساله در بهترین سالهای عمر خویش به جای برنامه ریزی برای آینده مخارج سنگین خانواده را باید بر عهده بگیرند.

خود شاکی هم وقتی گریه ها و التماس های دختر بزرگ حسن را در دادگاه می دید، دلش فرو می ریخت. شانه های دختر، زیر فشار این سختی، خم شده بود. مادر توان ایستادن بر روی پاهایش را نداشت. ام اس در این سه سال که استرس و نگرانی دو فقره چک بر خانه سایه انداخته بود، با بی رحمی می تاخت و پیش می رفت.

همه زندگی خود حسن و خانواده و اقوامش حتی نصف طلب شاکی که با تأخیر تأدیه و هزینه های دادرسی به حدود ۱۳۵ میلیون تومان رسیده است را هم تأمین نمی کند. این وسط شاکی نیز حقی دارد که به آن برسد و زندانی با دست خالی که ادعا می کند هیچ بدهی نداشته و دو فقره چک را برای خرید پوشاک به صورت سفید امضاء نموده ولی گم کرده بود.

حالا دختر حسن از یک طرف نان آور خانه است و از طرفی پرستار مادر بیمار و برادر معلول و از طرف دیگر پیگیر پرونده پدرش در دادگاهها و اکنون بعد از خداوند چشم امیدش را به نیکوکارانی دوخته که به ستاد دیه مراجعه می کنند تا دست ناتوانی را در زندان بگیرند و او را نجات دهند. گاهی یک سهل انگاری کوچک، تاوانی سنگین به همراه دارد. یادمان باشد چک، سفته و دیگر اوراق بهادار ارزش قانونی بالایی دارد و هر گونه سهل انگاری و بی توجهی در صدور آن می تواند عواقب ناگواری به همراه داشته باشد.